

# آشنایی با برندگان نوبل اقتصاد

بخش دوم:  
نظریه اطلاعات نامتقارن

دکتر ابوالفضل شهرآبادی  
(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد زنجان)  
dr.shahrabadi.googlepages.com  
نوابشیری  
(کارشناس تالار بورس استان قزوین)  
netsh.beshiri.googlepages.com



۶۱ ساله بود، در سال ۱۹۴۰ در "تیو هاون" آمریکا متولد شد، او درجه دکترای خود را از دانشگاه "ام آی تی" اخذ کرد و با درجه استادی در انستیتوی آماری "یندین" و مدرسه اقتصادی لندن مشغول به تدریس شد. از سال ۱۹۸۰ وی استاد اقتصاد دانشگاه کالیفرنیا در "برکلی" است.

"مایکل اسپنس" نیز در سال ۱۹۴۳ و در خلال جنگ جهانی دوم در شهر "مونت کلر نیو جرسی" به دنیا آمد. او دکترای تخصصی خود را در سال ۱۹۷۲ از دانشگاه هاروارد دریافت کرد. اسپنس هم چنین ریاست پیشین دو دانشگاه "هاروارد" و "استنفورد" را بر عهده داشته است.

بیش از دو دهه، نظریه بازارهای با اطلاعات نامتقارن، موضوعی مهم و بحث‌برانگیز در تحقیقات اقتصادی بوده است. سه آمریکایی بخاطر تحقیقات ارزنده شان در زمینه نحوه فعالیت بازار، درست در زمانی که دانش گروهی از معامله گران بیشتر از سایر گروه هاست، برنده جایزه نوبل ۲۰۰۱ در رشته اقتصاد شدند. آکادمی سلطنتی علوم سوئد اعلام کرد که "جورج آکلروف"، "مایکل اسپنس" و "جوزف استیگلیتز" معتبرترین جایزه دنیا، (نوبل) را در زمینه تحقیقات اقتصادی به مبلغ یک میلیون دلار به صورت مشترک دریافت کردند.

"جورج آکلروف" که در هنگام دریافت نوبل

“جوزف استیگلitz” که هنگام اخذ جایزه نوبل در ۵۸ سالگی به سر می برد، در “گری ایندیانا” چشم به جهان گشود و درجه دکترای خود را از دانشگاه “ام آی تی” گرفت. او استاد دانشگاه های “پرینستون”، “آکسفورد” و “استنفورد” می باشد. وی هم چنین رییس بخش اقتصاد بانک جهانی بوده است. “استیگلitz” در سال های اخیر استاد اقتصاد، تجارت و امور بین الملل در دانشگاه “کلمبیا” نیز بوده است. در بیانیه آکادمی سلطنتی سوئد این نکته درج

در بازاری با اطلاعات نامتقارن، میانگین ارزش کالاها روندی متمایل به افت دارد. حتی برای کالاهایی که کیفیت کاملاً بالایی دارند، زیرا به دلیل عدم تقارن اطلاعات، فروشندگان بی پروا می توانند خریدار را مورد کلاهبرداری قرار دهند پس در چنین بازار هایی امکان “گزینهش نامطلوب” به شدت افزایش می یابد. در مدل گزینهش نامطلوب با انتخاب مضر گروه کم اطلاع، هنگامی که در

نامطلع می تواند از طریق غربال اطلاعات (مثلاً بدست آوردن اطلاعاتی راجع به گزینه هایی از فهرست قراردادهای مربوط به معامله ای خاص) بهتر از یک کارگزار مطلع و متخصص، کسب اطلاع کند. مثلاً زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد، ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه گذاران در بازار سرمایه برای سهام

مدل اطلاعات نامتقارن فرض می کند که حداقل یک طرف معامله، اطلاعات مربوط بیشتری نسبت به طرف دوم معامله دارد

شده بود: در طی دهه ۱۹۷۰ برندگان اسمال (یعنی سال ۲۰۰۱)، پایه یک فرضیه کلی درباره بازار را با اطلاعات نامتقارن بنا نهادند. مدل اطلاعات نامتقارن فرض می کند که حداقل یک طرف معامله، اطلاعات مربوط بیشتری نسبت به طرف دوم معامله دارد. هم چنین برخی از مدل های اطلاعات نامتقارن در موقعیت هایی استفاده می شود که حداقل یک طرف قرارداد می تواند با اعمال فشار، اطلاعات مفیدی به دست آورده و در عین یک معامله پرسود برای خود، طرف دوم را متضرر کرده و یا هزینه فرصت از دست رفته، برای وی ایجاد کند. مثال هایی از نابرابری اطلاعاتی در بازار های مالی این است، که همیشه مدیران و اعضای هیأت مدیره یک شرکت پیش از سهام داران درباره سود شرکت اطلاعات دارند و یا در بازار کالا و خدمات، فروشندگان همیشه اطلاعات بیشتری نسبت به خریدار دارد و درست به همین دلیل است که در برخی قوانین، صاحبان اطلاعات نهانی، محدودیت هایی برای معاملات خود به

یک مذاکره در حال پذیرفتن مفاد یک قرار داد برای انجام معامله است، دچار نقص اطلاعاتی می شود. مثال هایی از مواردی که فروشندگان بیشتر از خریداران آگاهی و اطلاعات دارند عبارت است از: معامله ماشین های دست دوم، دلالان رهن و وام، کارگزاران بازار سهام، آژانس های معاملات املاک و قراردادهای بیمه عمر. هم چنین موقعیت هایی که در آن خریداران اطلاعات بهتری از فروشندگان دارند نیز شامل فروش املاک و زمین های تعیین شده در وصیت نامه ها و فروش آثار هنری قدیمی پیش از ارزیابی حرفه ای این آثار است. به خاطر موارد ذکر شده در بالا، بسیاری از مشتری ها ملاحظه نمی کنند و از خریدهای خاص در بازارهایی که نقص اطلاعاتی دارند، اجتناب می ورزند و با

موردنظر قابل می شوند، متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ارزش واقعی سهام شرکت ها با ارزش مورد انتظار سهام داران تفاوت خواهد داشت. آنچه در بازارهای سرمایه باید مورد توجه قرار گیرد این است که بسیاری از افرادی که اقدام به سرمایه گذاری می کنند، مردم عادی هستند که تنها راه دسترسی آن ها به اطلاعات مهم شرکت ها، اطلاعیه هایی است که از جانب شرکت ها منتشر می شود. یک نمونه از این نوع اطلاعیه ها را می توان اطلاعیه پیش بینی EPS دانست که در آن سود پیشنهادی هر سهم از طرف شرکت پیش بینی شده و به اطلاع فعالان بازار سرمایه رسانده می شود. حال اگر در بین سرمایه گذارانی که در بازارهای سرمایه مشغول فعالیت اند، افرادی باشند که از نظر اطلاعاتی نسبت به سایرین در موقعیت بهتری قرار داشته باشند و به عنوان مثال از گزارش هایی که قرار

“جورج آکلروف”، “مایکل اسپنس” و “جوزف استیگلitz” معتبرترین جایزه دنیا، (نوبل) را در زمینه تحقیقات اقتصادی به مبلغ یک میلیون دلار به طور مشترک دریافت کردند

لحاظ سقف پولی، درصد تملک و مدت زمان نگهداری دارایی خویش متحمل می شوند و یا در بعضی ایالت های آمریکا قوانین خاصی وجود دارد، که خریداران را در برابر معاملات ناعادلانه حمایت می کند.

پول زیادی را وارد بازار نمی کنند بنابراین می توان گفت در حادترین حالات، تقیصه بزرگ بازار در عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است، بازار را به نقطه نابودی بکشاند. در حال حاضر، نظرات ارایه شده توسط “آکلروف” پیرامون گزینهش نامطلوب، در مباحث اقتصاد خرد تدریس می شود. “اسپنس” نشان داد که تحت شرایطی معین، کارگزاران دارای اطلاعات مکفی می توانند با اشاعه اطلاعات خصوصی خود به کارگزاران فاقد اطلاعات لازم، بازده بازار خود را بهبود بخشند. برای مثال، مدیریت بنگاه می تواند با تحمیل مالیات اضافی بر سود سهام، به طور ضمنی بالا بودن سودآوری شرکت را علامت دهد. “استیگلitz” نیز نشان داد که گاه یک کارگزار

است درباره سود منتشر شود، زودتر از بقیه خبردار باشند. قادر خواهند بود تا بر عرضه و تقاضای بازار تأثیر گذاشته و این امر به اصطلاح، منجر به بروز شکاف قیمت ها می شود. دلیل اصلی آن نیز وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه است که طبق آن افراد مطلع از اعلان سود (و یا هر خبر بااهمیت دیگر) را نسبت به سایرین در موقعیت تصمیم گیری مناسب تری قرار می دهد. در پایان شایان ذکر است که نظریه اطلاعات نامتقارن کمک شایانی به اقتصاد کرده، زیرا نه تنها توضیح می دهد که چگونه ممکن است اطلاعات خصوصی منجر به عملکرد بد بازارها شود، بلکه به تازم، به وقوع اطلاعات نامتقارن و پیامدهای دیررس آنها اشاره می کند.